

واکاوی عملکرد شبکه دبیر - دانش آموز در فرآیند انقلاب اسلامی

(شهرهای ساری و بابل)

یاسر صابری^۱

چکیده

در شهرهای ساری و بابل که از کانونی‌ترین شهرهای انقلابی مازندران به شمار می‌روند، نقش دبیران و دانش‌آموزان در بروز و ظهور، الهام‌بخشی و پیشتازی تحولات انقلابی، برجسته و شایان توجه است. این گروه‌ها در این دو شهر در موقعیت گروه مرجع، پیشگام و تحریک و تهییج‌کننده سایر اقشار قرار گرفتند و نقشی محوری بازی کردند. بر این اساس مطالعه پیشینه فکری، بسترهای زمینه‌ای و شبکه ارتباطی شکل گرفته در میان گروه‌های دبیر و دانش‌آموز در فرایند انقلاب اسلامی حائز اهمیت بسیار است. پرسش این است که چگونه پیام‌های انقلابی در میان گروه‌های فرهنگی و دانش‌آموز پذیرش شد و در مراحل و مقاطع بعدی اشاعه و گسترش یافت. اشاعه پیام‌های انقلابی از چه روش‌هایی صورت گرفت و چگونه توده انقلابی را با خود همراه کرد. بر مبنای نظریه پخش هاگر استراند این فرضیه تأیید می‌شود که بستری که در دهه ۱۳۴۰ ش در ذهن و افکار جامعه فرهنگی و دانش‌آموز ایجاد شد، ناحیه مناسبی را جهت پذیرش پیام‌های انقلابی فراهم آورد و در دهه ۱۳۵۰ ش با گسترش یافتن پیام‌های انقلابی، موتور محرکه‌ای برای گسترش تحرکات انقلابی و اشاعه آن به صورت گلوله برفی و سپس یک بهمن عظیم شد و جمعیت‌های انقلابی را با خود همراه کرد. در این پژوهش از روش گردآوری داده‌ها به شکل کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین مصاحبه با کوشندگان انقلابی، بهره برده‌ایم و با صورت‌بندی روند گسترش نیروی انقلابی دبیران و دانش‌آموزان بر مبنای نظریه پخش، به بازنمایی نقش اساسی این گروه‌ها در فرایند انقلابی پرداختیم.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، مازندران، دبیران، دانش‌آموزان، ساری، بابل، نظریه پخش هاگر استراند.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Saberi_yaser@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ نوع مقاله: پژوهشی

Analyzing the performance of the teacher-student network in the process of the Islamic Revolution (Sari and Babol cities)

Yasser Saberi¹

Abstract

In the cities of Sari and Babol, which are considered to be the most focal revolutionary cities of Mazandaran, the role of teachers and students in the emergence, inspiration and leadership of revolutionary developments is outstanding and worthy of attention. In these two cities, these groups were placed in the position of the reference group, pioneer and instigator of other classes and played a pivotal role. Based on this, it is very important to study the intellectual background and communication network formed among teacher and student groups in the process of Islamic revolution. The question is how the revolutionary messages were accepted among the cultural and student groups and spread and expanded in the next stages. What methods were used to spread revolutionary messages and how did it bring the revolutionary masses with them? Based on hoggett Strand's diffusion theory, this hypothesis is confirmed that the platform that was created in the minds and thoughts of the cultural and student society in the 1960s provided a suitable area for accepting revolutionary messages, and in the 1970s, with the spread of revolutionary messages, it became a driving engine. To expand the revolutionary movement and spread it in the form of a snowball and then it became a huge avalanche and took the revolutionary population with it. In this research, we have used the data gathering method of library and document study as well as interviews with revolutionary actors, and by formulating the process of expanding the revolutionary force of teachers and students based on the diffusion theory, we have represented the essential role of these groups in the revolutionary process.

Keywords: Islamic Revolution, Mazandaran, teachers, students, Sari, Babol, Hoggett Strand's diffusion theory.

1. PhD student in Political Sociology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Saberi_yaser@yahoo.com

Received date: 1401/08/01 Accepted date: 1401/10/02 Article type: research

مقدمه

مطالعه فرایند انقلاب اسلامی در نقاط مختلف کشور و نحوه بروز و ظهور گروه‌های مختلف مؤثر در تحولات انقلابی، می‌تواند افق‌های حائز اهمیتی را در نگارش تاریخ بگشاید. سیری در اسناد و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در مازندران نشان می‌دهد که جامعه‌ای متشکل از دبیران در اتفاق و اتحاد با دانش‌آموزان توانستند علاوه بر ایجاد تحولات مؤثر و مهم، در تهییج و تحریک سایر اقشار نیز مؤثر واقع شوند. این گروه‌ها در پیوند با یکدیگر شبکه‌ای با ظرفیت قدرتمند فرهنگی و اعتقادی، ایجاد کردند که توانست طی دو دهه نقش گروه پیشرو و مرجع را به خود رفته و حرکت انقلابی مردم را رقم بزند.

آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است بررسی این بخش از جنبش انقلابی مردم مازندران از سه جنبه است. جنبه اول پیشینه شکل‌گیری مختصات فرهنگی و فکری گروه‌های دبیر است که زمینه و بستر مناسبی را برای پذیرش پیام‌های انقلابی به وجود آورد. جنبه دوم شکل‌گیری شبکه‌ای ارتباطی میان دبیران و همچنین دبیران و دانش‌آموزان که به اشاعه و گسترش پیام انقلابی کمک می‌کرد و در نهایت جنبه سوم بروز حرکت‌های انقلابی تأثیرگذار و مهیج و الهام‌دهنده سایر گروه‌هاست. در این مقاله سعی شده است نخست روند شکل‌گیری جریان فکری مذهبی در میان فرهنگیان و دانش‌آموزان ریشه‌یابی شود و سپس نحوه فعالیت شبکه‌ای دبیران و دانش‌آموزان در دهه ۱۳۵۰ ش مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت تأثیرگذاری این قشر بر سایر اقشار و نحوه اشاعه پیام انقلاب و پذیرش آن در محیط‌های دیگر بازخوانی شود. برای نیل به این مقصود از اسناد دست‌اول موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد منتشر شده وزارت اطلاعات و مصاحبه‌های شخصی و همچنین مصاحبه‌های «آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی» که در این مقاله از آن با عنوان اختصاری «مراسان» یاد کرده‌ایم، بهره بردیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر دارای سه مؤلفه اصلی برای بررسی است. مؤلفه اول انقلاب اسلامی، مؤلفه دوم دبیران و دانش‌آموزان و مؤلفه سوم دو شهر از استان مازندران است. در باب انقلاب اسلامی در مازندران و تحلیل و تبیین تاریخ حرکت مردمی این محدوده جغرافیایی کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده است که از حیث تمرکز بر قشر دبیران و دانش‌آموزان و همچنین تحلیل و

روایت تاریخی مستند به تاریخ شفاهی با پژوهش حاضر تفاوت دارند. کتاب «روزشمار انقلاب اسلامی در مازندران»، (۱۳۸۹) چاپ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تحولات تاریخی شهرهای مختلف مازندران را با انتشار اسناد ساواک بازنمایی می‌کند و از این جنبه که مجموعه اسنادی است به لحاظ روایتگری، عدم بهره‌گیری از تاریخ شفاهی و همچنین عدم تمرکز بر قشر دبیران و دانش‌آموزان با پژوهش فعلی متفاوت است.

کتاب «تاریخ مازندران از آغاز تا انقلاب اسلامی» (۱۳۹۳) نیز که توسط علی رضائی و علی‌اکبر عنایتی تألیف شده است فرآیند تاریخی مازندران را به صورت کلی و بدون تمرکز بر مقوله انقلاب اسلامی و اقشار مختلف حاضر در آن مورد بررسی قرار می‌دهد که در عین اشتراک جغرافیایی به لحاظ تمرکز و تحلیل با پژوهش حاضر متفاوت است. مقاله «ایران‌شناسی از نگاهی دیگر» نیز که در نشریه یاد شماره ۴۵ و ۴۶، به چاپ رسیده است به مصاحبه با فعالان انقلابی به‌خصوص فرهنگیان ساری پرداخته است. این مقاله صرفاً مجموعه‌ای از مصاحبه‌هاست و به لحاظ ساختاری و همچنین استناد به اسناد با پژوهش حاضر تفاوت دارد. مکتوبات فعلی در این مقطع تاریخی اولاً محدود بوده و ثانیاً به مطالعه خاص گروه‌های فعال در جریان انقلاب اسلامی و نحوه ارتباط آن‌ها نپرداخته است و از سوی دیگر مجموعه استنادات به کتب، اسناد و تاریخ شفاهی در کنار هم در آثار مکتوب مربوط دیده نمی‌شود. از آن حیث پژوهش حاضر دارای نوآوری است.

چهارچوب نظری؛ نظریه پخش

نظریه پخش یا اشاعه^۱ به تحلیل، تشریح کیفیت و چگونگی گسترش یک پدیده یا نوآوری می‌پردازد. بر اساس این نظریه که در سال ۱۹۵۳ توسط تورستن هاگراستران^۲، جغرافی‌دان سوئدی، ارائه شده است، می‌توان دلایل تراوش و گسترش یک پدیده را از ناحیه‌ای به نواحی دیگر مورد بررسی قرار داد. حال این نواحی می‌تواند نه صرفاً ناحیه‌ای جغرافیایی بلکه گروهی از انسان‌های حامل یک عقیده، فکر و یا پیام و ارزش‌های مذهبی یا سیاسی باشد. روند اشاعه یک پیام فرهنگی، دارای مبدأ و مقصد است. مبدأ پخش خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و

۱. Diffusion

۲. Toresten Hagerstrand

ارزش‌های جدید است و مقصد پخش مکان‌ها یا محیطی است که پیام یا محتوای پخش یا جریان مداوم آن به آنجا می‌رسد. مقصد پخش، گاه پذیرا (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه ناپذیراست. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیر موجب تأثیرپذیر بودن و واگرایی می‌شوند (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸).

علاوه بر این، دوره زمانی که می‌تواند مداوم یا متناوب باشد و مسیرها و ابزارهای پخش نیز حائز اهمیت هستند. جریان اشاعه یک پیام یا یک فرهنگ به وسیله افراد می‌تواند از یک توده برفی تبدیل به بهمن شود (حشمت‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۴-۹۵). بنابراین سیر اشاعه یا پخش پیام سیری صعودی خواهد داشت و به مرور زمان شدت خواهد یافت. هاگراستراند علاوه بر ویژگی‌های فوق به دو مؤلفه موضوع پخش و موانع آن نیز اشاره می‌کند. موضوع پخش می‌تواند همان پیام‌ها و یا مؤلفه‌های فرهنگی باشد که اشاعه می‌یابد و آنچه می‌تواند همانند چالش‌ها و امواج رقیب پخش یک پدیده را مغشوش کند موانع آن به حساب می‌آید (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۹). پخش یا اشاعه یک پدیده، پیام و یا اندیشه شیوه‌های مختلفی دارد که هاگراستراند آن را به انواع جابه‌جایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی تقسیم‌بندی کرده است. در پخش جابه‌جایی، انتقال و جابه‌جایی فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه حائز اهمیت است. انتقال و گسترش پدیده‌ها در پخش سلسله‌مراتبی، از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات صورت می‌گیرد (جردن و راونتتری، ۱۳۸۰: ۱۶۳-۱۶۲). بنابراین برای گسترش یک پیام از این طریق، نقش گروه‌ها و افراد مرجع، نخبگان سیاسی و فرهنگی و یا به عبارتی پیشاهنگ‌ها برجسته خواهد بود. در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد و پدیده‌ها به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی که در مجاورت مبدأ قرار دارند سرایت می‌کند (جردن و راونتتری، ۱۳۸۰: ۱۶۰ و ۱۶۳).

صورت‌بندی کلی سیر فعالیت فرهنگیان از دهه ۱۳۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر

نظریه پخش

با توجه به نظریه هاگراستراند فرایند پذیرش و اشاعه پیام انقلابی در سه برهه زمانی قابل بررسی است. در مقطع زمانی اول محیط پذیرای پیام انقلابی فراهم می‌شود و در مقطع زمانی دوم دبیران به عنوان مقصد پذیرش پیام انقلابی هم از ناحیه مرکزیت انقلاب و هم مبدأ اشاعه سلسله‌مراتبی

برای دانش‌آموزان و سرایتی برای گروه‌های دیگر می‌شوند و فعالیت انقلابی را سامان می‌دهند. با توجه به این سیر کلی هر مقطع زمانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فراهم آمدن محیط پذیرای پیام انقلابی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲

در این دهه پایه‌های فکری و اعتقادی دبیران و دانش‌آموزان شکل گرفت. پیام‌های انقلابی پس از تبعید امام خمینی از نجف به صورت اعلامیه‌ها و از سوی روحانیت و شبکه مذهبی در مراکز تهران و قم به شیوه سلسله‌مراتبی به کانون‌های مذهبی شهرهای ساری و بابل می‌رسید. این کانون‌های مذهبی عمدتاً توسط دبیران متدین اداره و راهبری می‌شد و البته ارتباط عمیقی به لحاظ اعتقادی میان این کانون‌های مذهبی با روحانیت شهر و کانون‌های مساجد نیز برقرار بود. شکل‌گیری این مبانی به قابلیت اثربخشی پیام انقلاب و پذیرا شدن محیط کمک شایانی کرد.

دریافت و گسترش پیام‌های انقلابی به شیوه‌های سلسله‌مراتبی و سرایتی، سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶

طی این سال‌ها فعالیت انقلابی دایره وسیع‌تری از فرهنگیان مذهبی و همچنین گستره‌ای از ابزارهای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی را دربر گرفت. در این مقطع اشاعه پیام انقلاب در محیط پذیرای فرهنگیان به شیوه‌های جابه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی و با کمک ابزارهای مناسب‌تر صورت گرفت و سیر صعودی یافت.

گسترش امواج انقلابی به صورت سلسله‌مراتبی در سال ۱۳۵۷

در این دوره زمانی، فرهنگیان به عنوان گروهی پیشاهنگ از جنبه سلسله‌مراتبی اشاعه پیام انقلاب اسلامی، نقش مهمی در تهییج مردم و فراگیر شدن جنبش انقلابی ایفا کردند. البته ذکر این نکته لازم است که فعالیت متشکل معلمان و دانش‌آموزان به خصوص در دوران انقلاب، منحصر به مذهبیون نبود اما جریان غالب متعلق به تفکر مذهبی و پیروان امام خمینی بوده است.

۱- فراهم شدن بستر پذیرای پیام‌های انقلابی

۱-۱- پایه‌ریزی اعتقادی و فکری و شکل‌گیری گروه‌های همفکر (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲)

در روند ریشه‌یابی پایه‌های اعتقادی فرهنگیان انقلابی ساری و بابل، به کانون‌های مؤثری برمی‌خوریم که بستری برای فعالیت اجتماعی اعضا، در سال‌های بعد شدند. این کانون‌ها از سویی در شکل‌گیری بستر مناسب و پذیرای پیام انقلاب مؤثر بودند و از سوی دیگر خود به مبدأ پخش پیام انقلاب بدل شدند. افراد مؤثر در این کانون‌ها با انقلابیون شهرهای تهران و قم ارتباط داشتند. در نتیجه به شکل سلسله‌مراتبی پیام انقلاب را از این مبدأ دریافت می‌کردند و خود مبدأ پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی برای گروه‌های دیگر می‌شدند. علاوه بر این، مدعویین این جلسات از شهرهای دیگر، پیام‌های انقلابی را به شیوه جابه‌جایی منتقل می‌کردند و ارتباط مداوم اعضای جلسه با یکدیگر و با مردم به پخش سرایتی اندیشه انقلاب کمک می‌کرد. رشد اعتقادی و بینش مذهبی، تمرین فعالیت اجتماعی و بروز و ظهور جمعی، یافتن گروه‌های همفکر و دارای اشتراک بینشی، از مهم‌ترین تأثیرات شرکت در این جلسات بود. زمینه مساعد افراد شرکت‌کننده و اشتراک میان آنان به‌عنوان افراد هم‌مذهب، به‌شدت بر تسریع اشاعه پیام انقلاب مؤثر واقع شد. گرایش به این کانون‌ها و تمایل به گسترش ارتباط اجتماعی در شرایط فقدان بستر مشارکت و فعالیت سیاسی- مذهبی در رژیم شکل گرفته بود.

۲-۱- کانون‌های پخش سرایتی پیام‌های انقلابی در ساری

کانون‌های پخش سرایتی پیام‌های انقلابی در شهر ساری، جلسات مذهبی‌ای بود که توسط دبیران و آموزگاران مدارس مانند آقایان حسین روزبهی، محمد تراب‌نژاد، محمد اسماعیل گریبان، ابراهیم آیتی و حبیب تبریزی برگزار می‌شد. تعداد شرکت‌کنندگان در این جلسات حدود بیست تا سی تن بود (احمدی فولادی، ۱۳۹۳/۶/۱). محتوای این جلسات به شرح نهج‌البلاغه بعضاً با رویکرد سیاسی، مباحث اعتقادی و فلسفی و شرح رساله مراجع، اختصاص داشت و از اوایل دهه ۱۳۵۰، رنگ و بوی سیاسی نیز به خود گرفت (روزبهی، ۱۳۹۳/۶/۱؛ ایران‌شناسی با نگاهی دیگر، ۱۳۷۷: ۱۴۱). انجمن حجتیه ساری نیز گروه دیگری بود که صرف‌نظر از اهداف کلی و خطی مشی رهبرانش، در فربه‌شدن اعتقادات و گسترش ارتباطات گروهی میان اعضا مؤثر بود. این انجمن توسط یکی از فرهنگیان به نام محمد تراب‌نژاد اداره می‌شد (گریبان، ۱۳۹۳/۵/۳۱).

۳-۱- کانون‌های پخش سرایتی پیام‌های انقلابی در بابل

کانون‌های پخش پیام انقلابی در شهر بابل نیز جلسات مذهبی حاج محمدهادی یزدانی بود. او نیز دبیر بود و با برپایی این جلسات مذهبی، کانون مؤثری برای ارتباط نیروهای مذهبی، تعمیق مبانی اعتقادی و سرایت مفاهیم انقلابی ایجاد کرده بود. شرکت‌کنندگان در این جلسات دارای بینش سیاسی و مخالف رژیم شاه بودند (مراسان، شهابی، ۸۷/۱/۲۶). در این جلسات، شرکت‌کنندگان به مطالعه، تحقیق، تحلیل و نقد مباحث دینی تشویق می‌شدند، اقدامی که منجر به تربیت افرادی اجتماعی با بنیه‌ای اعتقادی می‌شد (مراسان، رحیمی، ۱۳۸۷/۱/۲۶؛ واصفی، ۷۷/۱۱/۱۹). محتوای سیاسی این جلسات، سکوی پرتاب بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان به‌سوی حساسیت‌های مذهبی و اجتماعی بود (مراسان، شهیری طبرستانی، ۸۷/۲/۲۸ و شهابی، ۸۷/۱/۲۶). آشنایی با تعالیم مذهبی، مواضع امام خمینی و اهداف قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تعمیق دوستی‌ها و ترویج کتب امام، دکتر شریعتی، سید قطب و استاد مطهری از دیگر ویژگی‌های این جلسات بود (مراسان، رحیمی، ۸۷/۱/۲۶؛ واثقی، ۸۶/۴/۱۱).

کانون دیگر سرایت پیام‌های انقلابی، انجمن حجتیه بابل بود که در حدود سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۴۹ به اوج فعالیت خود رسید. این مجموعه هم توسط یکی از دبیران به نام کامران، اداره می‌شد. عمده شرکت‌کنندگان و مخاطبان جلسات نیز فرهنگیان، دانش‌آموزان و دانشجویان بودند (گریبان، ۹۳/۵/۳۱). مشی این انجمن متفاوت با مشی سیاسی آیت‌الله حلبی بود و اساساً برخی انقلابیون، جلسات انجمن را دوره اسلام‌شناسی و بستری برای رد و بدل کردن پیام‌های سیاسی و پوششی مطمئن برای فعالیت انقلابی توصیف می‌کنند. در حاشیه این جلسات نیز اعلامیه امام، کتب شریعتی، مطهری به‌عنوان موضوعات پخش، تبلیغ و توزیع می‌شد (مراسان، سرخپر، ۸۷/۹/۲۱؛ طبرستانی، ۸۷/۲/۲۸؛ واثقی، ۸۶/۴/۱۱؛ قائمی امیری، ۸۸/۵/۴؛ شهابی، ۸۷/۱/۲۶؛ جهانشاهی، ۸۷/۲/۲۷؛ صفاریان، ۹۳/۳/۲۶؛ روزبهی، ۹۳/۶/۱؛ ایران‌شناسی با نگاهی دیگر، ۱۳۷:۱۳۵).

فعالیت این گروه‌ها و کانون‌های پخش پیام، در مقاطع مختلف حساسیت ساواک را برانگیخته بود و سخنرانان و اداره‌کنندگان این جلسات به بهانه‌های مختلفی بازداشت و بازجویی می‌شدند (مراسان، سرخپر، ۸۷/۲/۲۹؛ روزبهی، ۱۳۹۳/۶/۱؛ گریبان، ۹۳/۵/۳۱).

گروه‌هایی که طی دهه ۱۳۴۰ ش، پایه‌های اعتقادی خویش را مستحکم کرده بودند و به شیوه سلسله‌مراتبی پیام اعتقادی و انقلابی را دریافت و در خود تقویت و تعمیق نموده بودند، در دهه ۱۳۵۰ شمسی دست‌به‌کار اشاعه پیام اعتقادی و انقلابی خویش در میان دانش‌آموزان به شیوه سرایتی شدند. در این دوره به‌کارگیری ابزارهای پخش شامل مجلات، اعلامیه‌ها، کتب و نوارهای انقلابی به‌شدت افزایش یافت و به اشاعه پیام انقلاب کمک کرد. وجود محدودیت‌های مختلف در محیط مدرسه، فعالیت دبیران را منحصر به ترویج شعائر اسلامی، بیان مسائل سیاسی و اجتماعی در پوشش‌های دیگر، مشارکت در توزیع مجله، اعلامیه، پخش کتب و نوارهای انقلابی بود. اسناد ساواک نشان می‌دهد که این سازمان به دلیل توزیع نشریات ندای حق، مکتب اسلام و بحث سیاسی و مذهبی حول آن، با شش نفر از دانش‌آموزان دبیرستان ششم بهمن ساری و نه نفر از دانش‌آموزان بخش دودانگه ساری به‌شدت برخورد می‌کند (احمدی فولادی، ۹۳/۶/۱؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۳۵۲/۴).

گروه‌های دانش‌آموزی که به شکل سلسله‌مراتبی پیام انقلابی را از دبیران خود دریافت کرده بودند، گروه‌هایی را تشکیل دادند که از مهم‌ترین فعالیت‌های آنان، برگزاری جلسات مذهبی هفتگی بود. دانش‌آموزان در این جلسات از دبیرانی دعوت می‌کردند که دارای روحیه انقلابی بودند و در اثر ارتباط با مرکزیت انقلاب می‌توانستند منتقل‌کننده اندیشه اعتقادی و ایمانی انقلاب باشند. دانش‌آموزان هنرستان نوشیروانی بابل در سال ۱۳۵۲ از حسن هدایتی، احمد طراوتی، عالمیان، دبیر فلاحی، مرتضی حاجی و قاسم واثقی به‌عنوان سخنران جلسات دعوت می‌کردند. ترویج و تبلیغ کتب شریعتی و سید قطب و تبلیغ موج رادیو ملی ایران از دیگر فعالیت‌های این هنجویان بود. احمد سرخپر یکی از لیدرهای این جلسات در سال ۱۳۵۴ دستگیر شد و به مدت ۴۵ روز در سلول انفرادی ساواک ساری محبوس شد. سرپیچی از عضویت و شرکت در جلسات دانش‌آموزی حزب رستاخیز نیز از اقدامات سلبی دانش‌آموزان در راستای مبارزه با رژیم به‌شمار می‌رفت (مراسان، سرخپر، ۸۷/۱۱/۲۴). از دیگر اقدامات دبیران و معلمان مدارس در راستای ترویج افکار مذهبی و القای تلویحی پیام انقلابی، تبلیغ حجاب برای دانش‌آموزان دختر، طرح موضوع انشا با محتوای سیاسی، شرح رساله امام خمینی و گنجاندن مطالب حساسیت‌برانگیز در روزنامه‌های دیواری با همکاری دانش‌آموزان بود (احمدی فولادی، ۹۳/۶/۱؛ مراسان، پرونده ۲۴۸۴: ۹۹).

۱-۲- مبدأ اشاعه پیام: شکل‌گیری هسته‌های انقلابی

شکل‌گیری هسته‌های انقلابی دبیران از نتایج دیگر جلسات مذهبی دهه ۱۳۴۰ بود. این دبیران به کمک ابزارهای پخش به مبدأ پخش پیام‌های انقلابی تبدیل شده بودند و همچنین از طریق ارتباط با کانون‌های انقلابی تهران و قم به شیوه سلسله مراتبی پیام‌های انقلابی را دریافت می‌کردند. در حاشیه جلسات مذهبی هفتگی؛ حسین روزبهی، محمد اسماعیل گریبان، رضایی، قاسم واثقی و تحریری فعالیت انقلابی خود را آغاز کردند. حلقه سه نفره روزبهی، گریبان و محمد منافی شکل گرفت که اقدام به پخش اعلامیه‌هایی می‌کرد که توسط حسین غفاری از قم ارسال می‌شد. این اعلامیه‌ها در شهرهای ساری، بهشهر و قائم‌شهر توزیع می‌شد و تا سال ۱۳۵۴ و دستگیری حسین غفاری این اقدامات ادامه داشت و از آن به بعد تکثیر نوار سخنرانان معروف در دستور کار قرار گرفت (ایران‌شناسی با نگاهی دیگر ۱۳۷۷: ۱۲۸-۱۲۵؛ سند شماره ۱ از همین مقاله).

روزبهی، جعفری و آذرانی نیز مثلث سه نفره دیگری بودند که با دو عضو فرهنگی خود به تکثیر و توزیع متون دفاعیات اعضای سازمان مجاهدین و مبارزان انقلابی در بیدادگاه رژیم می‌پرداختند. اعضای این گروه چندین بار به ساواک احضار شدند و بازداشت‌هایی را از سه روز تا یک سال تجربه کردند (روزبهی، ۱۳۶/۶/۹۳). گروه پنج نفره دیگری نیز در بابل با نام «خودکار سیاه» تشکیل شد. این پنج نفر از رفقای جلسات انجمن حجّیه و سه نفر از آنان فرهنگی بودند. فعالیت اصلی آنان نیز تکثیر و توزیع اعلامیه بود. یکی دیگر از اقدامات این گروه، تلاش برای انفجار قسمتی از سیرک کنتینانتال در بابل بود که منجر به دستگیری سه نفر از اعضای اصلی شد. برپایی نمایشگاه کتاب و توزیع کتب دکتر شریعتی در مسجد چهارسوق از دیگر فعالیت‌های این گروه در آستانه انقلاب بود (مراسان، جهانشاهی، ۱۳۸۷/۲/۲۷؛ شهیری طبرستانی، ۸۷/۲/۲۸؛ شهیری طبرستانی، ۸۷/۲/۱۳؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۱: ۶۸/۹).

۳- گسترش و فراگیری پیام‌های انقلابی و بروز حرکت‌های مؤثر طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷

در مقاطع زمانی دهه ۱۳۴۰ و سال‌های آغازین دهه ۵۰، انتقال پیام‌های انقلابی در قشری از فرهنگیان مذهبی به شیوه سلسله مراتبی در ارتباط با مرکزیت انقلاب و به‌عنوان گروه پیشاهنگ جامعه صورت گرفت. از سوی دیگر سفرهای افراد از مرکزیت انقلاب به شهرهای ساری و بابل در پخش پیام انقلاب به شیوه جابه‌جایی مؤثر واقع شد. بستر ذهنی و محیط پذیرای پیام در این

گروه از فرهنگیان در دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ به وجود آمده بود. طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ امواج پیام انقلابی با شدت بسیاری شیوع پیدا کرد و دامنه آن گستره‌ای از دانش‌آموزان را دربر گرفت و حرکت‌های مهم و مؤثری را به دنبال خود آورد.

۱-۳- گسترش پیام انقلاب و اوج‌گیری فعالیت انقلابی فرهنگیان و دانش‌آموزان به شیوه سلسله‌مراتبی

با شدت یافتن فعالیت‌های دانشجویی و گسترش پخش اعلامیه‌ها و کتاب‌ها، از اواسط سال ۱۳۵۶ فضای جامعه و مدارس نیز انقلابی شد. چند روز پس از قیام نوزده دی‌ماه قم، حدود دویست نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دکتر معین، شاهپور و ناصر مقدم بابل به خیابان‌ها آمدند و شعارهای «زنده‌باد خمینی و مرگ بر دشمن خمینی»، سر دادند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۷۷: ۹۵/۲-۹۶ و ۲۵۶).

گریبان، روزبهی و منافی حلقه سه نفره از دبیران بودند که تصمیم داشتند در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، مصادف با چهل‌م شهدای قم، مراسمی را به صورت علنی برگزار کنند و بازاریان را نیز تشویق به تعطیلی مغازه‌ها کنند. این تصمیم با مخالفت تعدادی از بزرگان روحانی و بازاری مواجه شد اما این حلقه در چهل‌م شهدای تبریز، توانست با تماس تلفنی به صورت ناشناس، بازاریان را وادار به تعطیلی مغازه‌ها کند. به همین مناسبت مراسمی نیز در مسجد جامع با دعوت از حجت‌الاسلام روحانی برگزار شد و پس از آن راهپیمایی بزرگی شکل گرفت. (ایران‌شناسی با نگاهی دیگر ۱۳۷۷: ۱۲۹-۱۳۰؛ سند شماره ۲ از همین مقاله). روزبهی، فرامرز شعبانی، صادق صفاری، فرامرز بریمانی، کمال آهنگری و سید رضا مهدی پور به جرم توزیع اعلامیه، درحالی که مقدار زیادی سکه دو ریالی برای تماس با بازاریان به همراه داشتند، بازداشت شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۱۱۹/۴؛ روزبهی، ۹۳/۶/۱؛ سند شماره ۳ از همین مقاله).

ساواک طی گزارشی که در فروردین ۱۳۵۷ از مدارس تهیه نمود، اعلام کرد که رؤسا، معاونان و دبیران مدارس بابل از رژیم متنفرند و «سبب اصلی تشدید علاقه جوانان به شرکت در تظاهرات و اخلاگری» است. پیش از این گزارش، دانش‌آموزان بابل تزئینات مراسم رفع خطر از شاه را در مدارس پاره کرده و از گفتن آمین برای سلامتی شاه خودداری کرده بودند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۳۰۸/۴). فعالیت انقلابی دانش‌آموزان در قالب درج مطالب

انقلابی در روزنامه‌های دیواری با همکاری دبیرانشان نیز در همین روزها گسترش بیشتری پیدا کرده بود و عامل دیگر نگرانی ساواک بود (سند شماره ۴ از همین مقاله).

دانش‌آموزان و دانشجویان بابل در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۵۷ تظاهرات گسترده‌ای را رقم زدند. مأموران شهربانی برای نخستین بار برای کنترل اجتماع، شلیک هوایی کردند و ۲۲ نفر از آنان را دستگیر کردند که پنج نفر از آنان، دانش‌آموزان دبیرستان‌های شاهپور، آیت‌الله نوری، رضا پهلوی و هنرستان نوشیروانی و شانزده نفر دانشجوی مراکز تربیت‌معلم و دانشسرای فنی بودند. در لیست بیست نفره تقی‌زاده، رئیس ساواک بابل، اسامی شش دانش‌آموز دیگر مدارس رستاخیز و معتمدی بابل نیز به چشم می‌خورد. شعارهای این تجمع، «برقراری حکومت اسلامی، گرامیداشت یاد شهیدان و بازگشت امام خمینی» بود. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۱۴/۵-۲۱۸).

۴ چهار روز پس از این واقعه، ساواک مازندران همچنان وضعیت مدارس و عقاید آموزگاران، دبیران و کادرهای اداری آموزش و پرورش را نگران‌کننده توصیف می‌کند و راه برون‌رفت از این وضعیت را اولاً انتخاب مدیران آموزشی معتمد و ثانیاً تحت‌فشار قرار دادن آنان برای معرفی عناصر فاسد و تهدید به تنبیه، تغییر و تعویض ایشان می‌داند. در این گزارش تنبیه و تعویض مدرسان و مسئولان مدارس دکتر معین و دانشسراهای راهنمایی ساری و بابل و فنی بابل در اولویت قرار گرفت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۹۹/۴-۳۰۰).

با وجود تعطیلی مدارس، محاکمه ۲۴ دانشجو و دانش‌آموز مازندرانی در مرداد ۱۳۵۷، موجی از اعتراضات را با خود به همراه داشت. جلسات دادگاه با حضور بیست و کیل و حدود پنجاه نفر از مردم به شکل علنی برگزار شد و شعارها و اعلامیه‌های بسیاری از درون آن به جامعه تسری پیدا کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۰، ۳۱۳/۸؛ کیهان، ش ۱۰۵۳۵:۲۸).

با آغاز مهر ماه و بازگشایی مدارس، فعالیت دانش‌آموزان و دبیران رونقی دوباره گرفت. رژیم در اقدامی هشداردهنده، جعفر مهیمنی و حسین یحیی‌نژاد، دانش‌آموز و دانشجوی بابلی را به اتهام آتش زدن سینما پاسارگاد بابل و ضرب و جرح، دستگیر و محاکمه کرد (اطلاعات، ش ۱۵۷۲۰، ۵۷/۷/۳). دوازدهم مهر اولین تجمع اعتراضی دانش‌آموزان ساری با حضور دو هزار نفر در مقابل اداره‌ی کل آموزش و پرورش برپا شد و به دنبال آن تظاهرات خیابانی شکل گرفت. این تظاهرات ابتدا با تجمع سیصد دانش‌آموز دبیرستان غفاری و عدم شرکت در کلاس‌ها توسط

دانش آموزان دبیرستان‌های سعدی و ۶ بهمن ساری، به بهانه‌های صنفی آغاز شد و به درگیری در خیابان‌ها و شکستن شیشه‌های بانک‌ها کشیده شد (آیندگان، ش ۳۲۳۶، ۵۷/۷/۱۶؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴۷۰/۱۲).

۲-۳- اشاعه سرایتی حرکت‌های انقلابی و اعتراضی از دانش آموزان مدارس به مدارس دیگر به دنبال گسترش اعتراضات معلمان و دانش آموزان و سرایت آن به سایر مدارس و ادارت، کارمندان برخی ادارات هم‌نوا با دفترداران مدارس ساری، به بهانه تحقق خواسته‌های صنفی خود تحصن کردند (رستاخیز، ش ۱۳: ۵۷/۷/۱۰۳۱؛ آیندگان، ش ۳۲۳۵: ۵۷/۷/۱۵). دو روز بعد در تظاهرات دانش آموزان بابل، علی‌اصغر مخبریان به ضرب گلوله مأموران در مقابل آموزش و پرورش شهید شد و دانش آموزان محمدصادق قندی، علیرضا جوان امامیان و عباس ورزی به شدت زخمی و بیش از چهل نفر دیگر نیز مجروح شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴/۱۳؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۳۱: ۵۷/۷/۱۷). فردای این روز، دانش آموزان در محلات چهارشنبه پیش، بابل بازار و کوی آهنگر کلاً و گورستان بابل تظاهرات پراکنده توأم با آتش‌سوزی به راه انداختند (آیندگان، ش ۳۲۳۷: ۵۷/۷/۱۷).

شانزدهم مهرماه، دانش آموزان ساروی درحالی که قرآن به سر داشتند، در یک راهپیمایی منظم از خیابان شاه تا شهرداری شعار: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» سر دادند (اطلاعات، ش ۱۵۷۳۱: ۵۷/۷/۱۷). دانش آموزان پس از ملاقات با رئیس آموزش و پرورش تظاهرات خود را پرشورتر ادامه دادند و با پرتاب گاز اشک‌آور و ماشین آب‌پاش شهرداری متفرق شدند. در همین روز جامعه معلمان ایران نیز، معلمان را به اعتصابی یک‌روزه دعوت کرد (رستاخیز، ش ۱۰۳۴: ۵۷/۷/۱۶؛ اطلاعات، ش ۱۵۷۳۲: ۵۷/۷/۱۸؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۳/۸۰ و ۱۲۷).

دانش آموزان دبیرستان‌های پسرانه ششم بهمن، شریف، سعیدی، پهلوی، جامع ساری روز بعد به خیابان‌ها آمدند و شیشه‌های بانک شهریار، صادرات، ملی و سینما مولن‌روژ را شکستند و باز هم با برخورد نیروهای نظامی با ابزار گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش مواجه شدند (رستاخیز، ش ۱۰۳۶: ۵۷/۷/۱۸). مأموران ادارات آموزش و پرورش و استانداری را در محاصره خود قرار دادند و

دو دانشجوی دختر دبیرستان دخترانه ایران‌دخت ساری را که اعلامیه در دست داشتند، دستگیر کردند (آیندگان، ش ۳۲۳۹: ۵۷/۷/۱۸).

۳-۳- اشاعه سرایتی حرکت‌های انقلابی و اعتراضی از دانش‌آموزان به اقشار دیگر مردم

با اشاعه پیام‌های انقلابی و همچنین حرکت‌های اعتراضی دانش‌آموزان و معلمان، گروه‌های مختلف مردمی و نیروهای مذهبی نیز به دانش‌آموزان پیوستند و شمار آنان در راهپیمایی‌ها افزایش یافت بر این اساس در تظاهرات ۱۸ مهرماه، تعداد شرکت‌کنندگان به ۱۰۰۰ تا ۲۴۰۰ نفر رسید. در این تظاهرات که با درگیری شدیدی همراه شد، محمدنژاد دانش‌آموز ششم بهمن دستگیر شد. شورای تأمین استان با توجه به تحرکات این روزهای دانش‌آموزان ساری و بابل وضعیت زرد اعلام کرد و وضعیت شهرها تقریباً به حالت حکومت‌نظامی درآمد (کیهان، ش ۱۰۵۸۵: ۵۷/۷/۱۸ و انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱۷۵/۱۳-۱۷۳).

به مناسبت هفتم علیرضا مخبریان اجتماعی هفتصد نفری از معلمان بابل در مقابل دبیرستان دخترانه شاهدخت بابل تشکیل شد. آنان خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند و اعلام کردند که در راه دستیابی به آزادی با مردم همگام هستند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۰۱/۱۳). حرکت فرهنگیان با راهپیمایی طولانی سه هزار تن از اعضای جامعه فرهنگیان ساری در ۲۳ مهر ادامه یافت. دبیران در این راهپیمایی خواستار لغو حکومت‌نظامی، تشکیل کانون مستقل معلمان و آزادی دانش‌آموزان و معلمان زندانی شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۹۵/۱۳ و ۴۳۲). سرایت پیام‌های انقلابی، گروه‌های انقلابی دیگری را نیز همراه کرد و اقشار دیگر به شیوه‌های مختلف همبستگی خود را با فرهنگیان مازندرانی و اعتصابات ایشان اعلام کردند (آیندگان، ش ۳۲۴۸: ۵۷/۷/۲۷). ۲۹ مهرماه، معلمان برای تحقق خواسته‌هایشان مهلتی یک هفته‌ای به اداره آموزش و پرورش دادند (اطلاعات، ش ۱۵۷۳۹: ۵۷/۷/۳۰). حرکت گسترده دانش‌آموزان و معلمان ساری و بابل در مهرماه اقشار دیگری را نیز وارد صحنه راهپیمایی و اعتصابات کرد.

شورای معلمان انقلابی در بابل با حضور مرتضی حاجی، فلاحیان، حریری، رحمانی و ولی الله زمانی تشکیل شد. این شورا و معلمان سایر شهرها برای صدور اعلامیه ها و بیانیه های مشترک و اعتصاب های هم زمان هماهنگ بودند. حاجی و حریری از طریق شهید تراب نژاد با شورای ساری ارتباط برقرار می کردند. با وجود مخالفت برخی با تحصن، اکثریت معلمان به ادامه آن رأی می دادند (مراسان، حاجی، ۷۹/۲/۱۲). خانه معلمان ساری، کانون فعالیت انقلابی انجمن معلمان بود. آنان با وجود گرایش های مختلف در مخالفت با رژیم هم نوا بودند. تراب نژاد، گریبان، خلیلی، صاحبی و نصیری از اعضای فعال و مذهبی انجمن بودند (گریبان، ۹۳/۵/۳۱).

راهپیمایی های گسترده دانش آموزان در آبان ماه نیز ادامه داشت. دانش آموزان دبیرستان شریف ساری، شیخ کبیر و دکتر معین تصمیم داشتند به مقر ساواک حمله کنند که در اثر تیراندازی مأموران، دو تن از آنان مجروح شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۲/۱۴). تعداد شرکت کنندگان در این راهپیمایی ها از هزار تا پنج هزار نفر متغیر بود (اطلاعات، ش ۱۵۷۴۱: ۵۷/۸/۲؛ ش ۱۵۷۴۲: ۵۷/۸/۳). راهپیمایی چهارم آبان دانش آموزان ساری، تظاهرات هفت هزار نفره مردم را در ۵ آبان به دنبال داشت (اطلاعات، ش ۱۵۷۴۳: ۵۷/۸/۵).

۳-۴- پخش سرایتی حرکت های انقلابی و اعتراضی از دانش آموزان و فرهنگیان به مردم، روحانیون و قضات

با اتمام مهلت یک هفته ای خواسته های صنفی معلمان، تحصن ادامه یافت و مهلتی چهل روزه برای تحقق خواسته های سیاسی تعیین شد (بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۲۳: ۵۷/۸/۷). چهار هزار نفر از فرهنگیان و دانش آموزان در اتفاق با عده ای از اهالی شهر، راهپیمایی گسترده ای را در ۶ آبان ترتیب دادند و برای اتحاد با روحانیت، نماز مغرب را در مسجد جامع اقامه کردند (رستاخیز، ش ۱۰۴۹، ۵۷/۸/۷). روحانیون و مردم انقلابی در پیوند با فرهنگیان، هفتم آبان ماه، اجتماعی چهار هزار نفری تشکیل دادند که ۳۵ نفر از روحانیون آن را همراهی می کردند و با دادن شعارهایی علیه سلطنت، خواستار آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت امام بودند (کیهان، ش ۱۰۵۹۹: ۵۷/۸/۸). دانش آموزان و دانشجویان بابی نیز در راهپیمایی خود خواستار حکومت اسلامی شدند و درحالی که دو تصویر از آیت الله خمینی در دست داشتند، سربازان و مأموران انتظامی را غرق

در گل کردند (رستاخیز، ش ۱۰۵۱: ۵۷/۸/۹؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۵۵/۱۴ و ۴۴۵).

نهم آبان ماه، فرهنگیان ساری همبستگی خود را با قضات متحصن در دادگستری ساری اعلام کردند. فردای آن روز دانش آموزان و دانشجویان بابل تظاهرات کردند و نماز وحدت را با مردم در دانشسرای عالی بابل برگزار نمودند (بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۲۵: ۵۷/۸/۹ و ش ۲۲۶: ۵۷/۸/۱۰). معلمان ساری اعلام کردند که در صورت عدم تحقق خواسته‌های محلی، مدیرکل آموزش و پرورش استان را به رسمیت نخواهند شناخت (بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۲۷: ۵۷/۸/۱۱). کارکنان اداره کل نیز پشتیبانی خود را از معلمان ساری اعلام کردند (رستاخیز، ش ۱۰۵۴: ۵۷/۸/۱۲). تظاهرات مردمی دوازدهم آبان، منجر به شهادت یک نفر از اهالی بابل شد. سخنران تجمع ده‌هزارنفره تشییع جنازه، عباس فلاحتی دبیر آموزش و پرورش بود که متن اعلامیه روحانیون بابل را نیز او قرائت کرد. مأموران در این تظاهرات به مردم حمله کردند و «صمد صالحی»، دانش آموز دبیرستان شهریار، به شهادت رسید و شانزده نفر دیگر مجروح شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۵۵/۱۵). پیکر صمد صالحی با حضور حدود شصت هزار نفر از مردم درحالی که باران هم می‌بارید تشییع و به خاک سپرده شد (روزنامه رستاخیز، ش ۱۰۵۵: ۵۷/۸/۱۳). معلمان و دانش آموزان بابل در دبیرستان شاهدخت بابل جمع شدند و این واقعه را محکوم کردند. هم‌زمان دانش آموزان دبیرستان پهلوی ساری، تصاویر شاه و فرح را از طبقه فوقانی دبیرستان به حیاط پرتاب کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲: ۲۰۰/۱۵). دانش آموزان دبیرستان‌های ایراندخت، شریف و چند واحد آموزشی دیگر نیز در خیابان‌های شهر راهپیمایی کردند. ۲۰ آذرماه راهپیمایی گسترده‌ای با مشارکت فرهنگیان و دانش آموزان و اقشار دیگر مردم به تحریک شیخ پیش‌نمازی و عبدالحمید عبدالاحد از مسجد جامع به راه افتاد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲: ۴۸۴/۱۵). ۲۱ آذرماه که از سوی امام، روز جهاد ملی اعلام شده بود، جامعه معلمان ساری با انتشار اطلاعیه‌ای با اشاره به کشتار فجیع مردم، از نظامیان خواست که با مردم همراه شوند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲: ۵۷۲/۱۵ و ۴۵۰).

پس از سخنرانی عبدالحمید عبدالاحد در خانه معلم، ارتباط میان روحانیت انقلابی و فرهنگیان پیشرو بیشتر شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲: ۳۹۶/۱۵؛ عبدالاحد، ۹۳/۴/۱۳).

در بابل میان شیخ محمدجواد حجتی و حسن اکبری مرزناک هماهنگی‌هایی صورت گرفت. گزارش ساواک هر دو را «از چهره‌های اصلی تظاهرات و اغتشاش بابل» معرفی کرده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۸/۱۶-۱۹). اکبری مرزناک مدرس تاریخ و علوم اجتماعی بود و در جمع‌های متفرقه دانش‌آموزی و مردمی بیرون از مدرسه، سخنرانی می‌کرد. او در سخنرانی اجتماع هشتصد نفره فرهنگیان اعلام کرد که در صورت عدم تحقق خواسته‌ها، تا یک هفته آینده فرهنگیان به صورت دسته‌جمعی استعفا خواهند کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۳۲۱/۱۶؛ مراسم، اکبری مرزناک، ۸۷/۲/۱۲).

فرهنگیان مازندران، ۲۷ آبان ماه، اعلامیه‌ای مبنی بر ادامه اعتصاب، تبعیت از امام، اعتراض به دولت غیرقانونی نظامی و محکوم کردن اقدامات وحشیانه در قبال فرهنگیان و دانش‌آموزان صادر کردند. فردای آن روز تظاهراتی ۲۵۰۰ نفره از مدرسه نوشیروانی با هدایت شیخ حجتی شکل گرفت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۳۲۲/۱۶ و ۳۶۰). ساواک شش نفر از عاملان برنامه‌ریزی تظاهرات در مسجد کاظم بیگ بابل را شناسایی کرد که دو نفر دانش‌آموز به نام‌های کیومرث امینی و علی مهیمنی در میان اسامی بودند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۲۷/۱۶).

راهپیمایی گسترده ۲۹ آبان ساری منجر به شهادت چهار نفر، از جمله محمود علامه دانش‌آموز سیزده ساله، و دستگیری شش نفر از جمله علی‌اصغر موحدی راد رئیس دبیرستان حافظ و محمد مفتاحی کارمند آموزش و پرورش شد (کیهان، ش ۱۰۶۰۵: ۵۷/۱۰/۱۶). فردای آن روز کارمندان اداره کل آموزش و پرورش هم به صف اعتصاب‌کنندگان پیوستند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۳۷۹/۱۷). در همان روز نجفیان، مسئول پخش تصویر و صدای تلویزیون ملی ایران در مرکز ساری برای ابراز همدردی با کشته‌شدگان تظاهرات ۲۹ آبان برنامه‌های عادی تلویزیون را قطع کرد و مارش عزای پخش نمود. این اقدام او باعث شد دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی تصمیم به اخراج و دستگیری او گرفتند (انقلاب اسلامی در ساری به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۲/۲۳۸-۲۴۰؛ سند شماره ۵ از همین مقاله).

سوم آذرماه فرهنگیان بابل در اعتراض به دستگیری گروهی از مهندسين ماکروویو در اداره آموزش و پرورش بابل متحصن شدند (کیهان، ش ۱۰۶۰۵: ۵۷/۱۰/۱۶). تحصن فرهنگیان به بابل نیز کشیده شد. دانش‌آموزان ساروی همبستگی خود را با متحصنین اعلام کردند و هفتم آذرماه

۲۵۰ نفر از زنان انقلابی و بازاریان به تحصن‌کنندگان فرهنگی پیوستند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۴: ۴۲۷/۱۷ و ۴۶۰). سیصد نفر از دبیران ساری نیز با تحصن در اداره آموزش و پرورش خواستار آزادی دو نفر از فرهنگیان بازداشتی شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۲۲۵/۱۸).

راهپیمایی عظیم پنجم آذر بابل، سه شهید و هفت مجروح به‌جای گذاشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۷/۲۳۰؛ سند شماره ۶ از همین مقاله). ششم آذر دو هزار نفر از مردم به فرهنگیان پیوستند و علی‌مازیار به نمایندگی با آنان سخن گفت و ایشان را به تشییع جنازه شهدا از مقابل بیمارستان شاهپور فراخواند. مأموران به اجتماع مردم حمله کردند و یحیی‌نژاد شهید و سه نفر مجروح شدند (مراسن، نوریان، ۸۷/۲/۱۲؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۳۱۹/۱۷-۳۲۳). ساواک بابل، فرهنگیان را هدایت‌کننده اعتراضات و تحریک‌کننده سایرین و تحصن آنان را «مرکز تجمع و تبادل افکار اشخاص ناباب و طرح و بررسی مسائل روز و دامن زدن به اغتشاشات» گزارش کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۸۷/۱۸).

تظاهرکنندگان روز تاسوعا، با هدایت حجت‌الاسلام قاسمی به‌سوی تحصن‌کنندگان فرهنگی آمدند و از استقامت و ازخودگذشتگی جامعه فرهنگیان ساری تقدیر و همبستگی روحانیون و ملت را با آنان اعلام نمودند. غروب تاسوعا نیز راهپیمایی با شرکت عموم فرهنگیان برگزار شد. فرهنگیان بابل در اطلاعیه‌ای همبستگی خود را با فرهنگیان ساری و خانواده شهدا و سایر اعتصاب‌کنندگان اعلام کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۲۹۰/۱۹-۲۹۳). ۲۶ آذر، دوهزار نفر از دانش‌آموزان و معلمان بابل در دبیرستان شاهدخت اجتماع کردند، معلمان ساری همراه با کارمندان اداره کشاورزی با در دست داشتن سبدهای گل به دیدار متحصنین دادگستری ساری رفتند و در مقابل دادگستری سرودهای انقلابی خواندند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۶۹/۲۰ و ۳۱۶).

نیمه اول دی ماه همچنان مدارس تعطیل بود و اکثریت معلمان در اعتصاب بودند. آنان شب‌ها به نوبت نگهبانی می‌دادند تا از حمله احتمالی مأموران در امان بمانند (مراسن، اکبری مرزناک، ۱۳۸۷/۲/۲۸). دانش‌آموزان نیز در راهپیمایی‌های صنفی و مردمی شرکت می‌کردند و به توزیع

اعلامیه و نوشتن شعار روی دیوارها ادامه می دادند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۷۶/۲۲ و ۱۶۶ و ۱۸۸).

حسن اکبری مرزناک در پنجم دی دستگیر شد. این خبر موجی از نگرانی را در میان فرهنگیان و مردم برانگیخت. مرزناک رابط تلفنی اخبار و رویدادهای مازندران با پاریس بود. مردم در اعتراض به این واقعه با شعارهای: «باید آزاد شود ز کنج زندان اکبری، مجاهد مسلمان، حکومت اسلامی، رهبر خمینی»، تظاهرات کردند و یک نفر شهید دادند. امضای تومار علیه این اقدام حکومت و تحصن معلمان شهرهای مختلف، از اقدامات اعتراضی دیگر به این واقعه بود. هزار نفر از دانش آموزان و معلمان بابل با اجتماع در کانون معلمان با قرائت بیانیه ای اخطار کردند که باید تا نهم دی ماه، حسن اکبری آزاد شود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۳۱۴/۲۲ و ۳۶۲ و ۲۳۳؛ مراسان، مصاحبه با حسن اکبری مرزناک، ۱۳۸۷/۲/۲۸).

پس از شهادت استاد نجات اللهی، مجلس ترحیمی توسط جامعه فرهنگیان ساری در مسجد جامع برگزار شد. پس از این مراسم تظاهرات گسترده ای به راه افتاد و مردم روزنامه دولتی «اثر» را به آتش کشیدند (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۷۲/۹). در راهپیمایی گسترده روز بعد، اعلامیه مشترک دانش آموزان، دانشجویان و بازاریان قرائت شد که در آن از مردم دعوت شده بود به مناسبت چهلیم شهدای ۲۹ آبان در مزار شهدا حضور یابند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۴۶۴/۲۲). راهپیمایی های مردمی با مشارکت فرهنگیان و هدایت شیخ قاسمی ادامه داشت. پس از کشتار ۱۸ دی ساری، فرهنگیان به طور مستقل راهپیمایی گسترده ای را علیه این اقدام وحشیانه ترتیب دادند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶: ۲۳/۲۰۳ و ۴۷۳). از این مقطع تا پیروزی انقلاب اسلامی شیرازه نظام شاهنشاهی از هم پاشید و فرهنگیان در روند همبستگی با همه گروه ها به حرکت های انقلابی ادامه دادند و برخی از آنان دوشادوش روحانیت به سخنرانی در نقاط مختلف شهر و روستا به منظور همبستگی و همکاری نیروهای انقلابی و ساماندهی امور انقلاب پرداختند و برخی نیز مشارکت فعال داشتند (مراسان، اکبری مرزناک، ۱۳۸۷/۲/۲۸).

نتیجه گیری

در این مقاله کوشش کردیم ضمن تشریح روند تأثیر فرهنگیان و دانش‌آموزان شهرهای بابل و ساری در پیروزی انقلاب اسلامی به این سؤال پاسخ گوئیم که بر اساس نظریه پخش هاگراستراند، انتقال پیام‌های انقلاب و شیوع آن در میان شبکه‌ای از فرهنگیان و دانش‌آموزان و سپس مردم انقلابی، چگونه بوده است. بر این اساس کوشیدیم به روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی و مراجعه به تاریخ شفاهی و عرضه این اسناد و شواهد به هم، به تفسیر حرکت تأثیرگذار جریان مذهبی فرهنگیان، که بخشی مهم و عمده از گروه‌های فعال در جریان انقلاب اسلامی شهرهای بابل و ساری بودند، بپردازیم. وجود مؤلفه مذهب و تأثیر آن در پذیرش اندیشه انقلاب اسلامی در میان فرهنگیان انقلابی، بستری مناسب و پذیرا را در دهه ۱۳۴۰ شکل داد. بر این مبنا اشاعه پیام انقلاب از مرکزیت آن در میان گروه مقصد، که فرهنگیان پیشرو مذهبی این دو شهر بودند، به‌خوبی صورت گرفت. چرا که مقصد محیطی پذیرا برای این پذیرش شده بود و این مهم در جلسات مذهبی دهه ۱۳۴۰ اتفاق افتاد.

رفت‌وآمد سخنرانان و فرهنگیان میان قم، تهران و شهرهای ساری و بابل به اشاعه سریع‌تر پیام انقلاب به شیوه جابه‌جایی و سلسله‌مراتبی کمک کرد. ارتباط آقایان روزبهی، گریبان و منافی با قم و حسن اکبری مرزناک با حاج احمدآقا خمینی، نمونه‌هایی از پخش سلسله‌مراتبی پیام انقلاب بود. حضور سخنرانان مدعو از شهرهای مشهد، تهران و قم در جلسات مذهبی این دو شهر نیز انتقال پیام انقلابی به شیوه جابه‌جایی در میان این قشر از انقلابیون به شمار می‌آمد. از اوایل دهه ۱۳۵۰ ش فرهنگیان انقلابی در عین ارتباط با مرکزیت انقلاب، خود به گروهی پیشگام تبدیل شده و مبدأ اشاعه پیام انقلاب اسلامی در میان سایر فرهنگیان و دانش‌آموزان و سپس عموم مردم شدند. در این مقطع استفاده از ابزارهای مختلف فرهنگی برای تسریع پخش پیام انقلابی به‌شدت افزایش یافت. طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نتیجه فعالیت‌های مخفی گروه‌های مختلف فرهنگی اولین راهپیمایی‌ها و تظاهرات انقلابی را با حضور دانش‌آموزان و معلمان رقم زد و به شیوه سرایتی اشاعه پیام انقلابی ادامه پیدا کرد. اعتراضات صنفی، اعتصاب و تحصن جمعیت دانش‌آموزان و معلمان، فعالیت گسترده کانون معلمان و تحصن چندماهه فرهنگیان، تعطیل شدن مدارس و حضور مستمر دانش‌آموزان در خیابان‌ها، روحی شجاعانه به حرکت انقلابی مردم دمید. تحصن نقطه عطفی شد که توانست تمام اقشار و صنوف را متوجه خود کرد و به کانون مبارزات مردمی تبدیل شد. گسترش حضور مردمی و پیوند فرهنگیان با روحانیت انقلابی، بازاریان و

واکاوی عملکرد شبکه دبیر- دانش‌آموز در فرآیند انقلاب اسلامی (شهرهای ساری و بابل) ۱۸۵

اقشار دیگر مردم و برگزاری راهپیمایی‌ها و اعتراضات مشترک در نهایت رژیم را از پای درآورد و به تسریع روند انقلاب در این دو شهر کمک شایانی نمود.

کتابنامه

الف) اسناد

مراسان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، پرونده شماره: ۲۴۸۴.

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، ش.بازیابی: ۲۹۰/۷۳۵۶؛ ۲۹۰/۷۳۸۸؛ ۲۹۰/۹۸۱؛ ۲۹۰/۶۲۶۴؛ ۲۹۷/۲۴۹۵۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۴ تا ۲۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵-۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی در ساری به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۰.

ب) کتاب

جردن، تری و لستر راونتري، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۰.

دیوسالار، علی، فتح تهران و اردوی برق، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

رفیع‌پور، فرامرز، تضاد و توسعه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۵ تا ۹، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۶-۱۳۸۴.

مهبجوری، اسماعیل، تاریخ مازندران، ج ۲، ساری: چاپخانه مرکزی، ۱۳۴۵.

ج) مقاله

«ایران‌شناسی با نگاهی دیگر؛ انقلاب اسلامی ایران در استان مازندران (ساری)»، خاطرات آقایان

منافی، علی‌پور و دلدار، مجله یاد، ش ۴۹ و ۵۰، بهار و تابستان ۱۳۷۷.

«ایران‌شناسی با نگاهی دیگران؛ انقلاب اسلامی ایران در استان مازندران (ساری)»، خاطرات

حجت‌الاسلام حسین غفاری ساروی، مجله یاد، ش ۴۵ و ۴۶، بهار و تابستان ۱۳۷۶.

۱۸۶ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

برزگر، ابراهیم، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، **دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست**، س ۵، ش ۸، بهار و تابستان ۸۲.

حشمت‌زاده، محمدباقر، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، **فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی**، س ۱، ش ۱، بهار ۸۱.

(د) مصاحبه

احمدی فولادی، مهدی، دبیر بازنشسته، ساری، منزل شخصی، ۱۳۹۳/۶/۱.

روزبهی، حسین، ساری، دبیر بازنشسته، منزل شخصی، ۱۳۹۳/۶/۱.

صفاریان، علیرضا، دبیر کانون زندانیان سیاسی، تهران، کانون زندانیان سیاسی پیش از انقلاب، ۱۳۹۳/۳/۲۶.

گریبان، محمد اسماعیل، دبیر بازنشسته، ساری، منزل شخصی، ۱۳۹۳/۵/۳۱.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با احمد سرخپر، شماره بازیابی: ۲۱۲۵۱، ۱۳۸۷/۹/۲۱.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با احمد سرخپر، شماره بازیابی: ۲۱۲۹۹، ۱۳۸۷/۹/۲۹.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با احمد سرخپر، شماره بازیابی: ۲۱۳۳۵، ۱۳۸۷/۱۱/۲۴.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با احمد نوریان، شماره بازیابی: ۲۰۸۴۷، ۱۳۸۷/۲/۱۲.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با حسن اکبری مرزناک، شماره بازیابی: ۲۰۸۲۱، ۱۳۸۷/۱/۲۹.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با حسن اکبری مرزناک، شماره بازیابی: ۲۰۸۳۳، ۱۳۸۷/۲/۱۲.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با حسن اکبری مرزناک، شماره بازیابی: ۲۰۸۷۶، ۱۳۸۷/۲/۲۸.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با سیف‌الرضا شهابی، شماره بازیابی: ۲۰۸۱۸، ۱۳۸۷/۱/۲۶.

واکاوی عملکرد شبکه دبیر- دانش آموز در فرآیند انقلاب اسلامی (شهرهای ساری و بابل) ۱۸۷

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با سیف الرضا شهابی، شماره بازیابی: ۲۰۸۴۰، ۱۳۸۷/۲/۴.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با عبدالله ابراهیمیان، شماره بازیابی: ۸۲۶۲، ۱۳۸۶/۴/۴.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با علی اکبر شهیری، شماره بازیابی: ۱۳۸۷/۲/۲۰۸۳۷، ۱۳.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با علی جهانشاهی، شماره بازیابی: ۱۳۸۷/۲/۲۰۸۸۱، ۲۷.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با علی قائمی امیری، شماره بازیابی: ۲۱۴۸۲، ۱۳۸۸/۵/۴.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با علیرضا شهیری طبرستانی، شماره بازیابی: ۱۳۸۷/۲/۲۸، ۲۰۸۸۵.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با قاسم واثقی، شماره بازیابی: ۲۰۲۵۴، ۱۳۸۶/۴/۱۱.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با محمد رحیمی، شماره بازیابی: ۲۰۸۲۸، ۱۳۸۷/۱/۲۶.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با محمدحسن واصفی، شماره بازیابی: ۲۶۹۸، ۱۳۷۷/۱۱/۱۹.

مراسان (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، مصاحبه با مرتضی حاجی، شماره بازیابی: ۵۹۴۷، ۱۳۷۹/۲/۱۲.

(ه) روزنامه

آیندگان، ش ۳۲۳۶، ۱۳۵۷/۷/۱۶.

آیندگان، ش ۳۲۳۵، ۵۷/۷/۱۵.

آیندگان، ش ۳۲۳۶، ۱۳۵۷/۷/۱۶.

آیندگان، ش ۳۲۳۷، ۱۳۵۷/۷/۱۷.

آیندگان، ش ۳۲۳۹، ۱۳۵۷/۷/۱۸.

آیندگان، ش ۳۲۴۸: ۱۳۵۷/۷/۲۷.

اطلاعات، ش ۱۵۷۲۰، ۱۳۵۷/۷/۳.

اطلاعات، ش ۱۵۷۳۱: ۱۳۵۷/۷/۱۷.

اطلاعات، ش ۱۵۷۳۲: ۱۳۵۷/۷/۱۸.

اطلاعات، ش ۱۵۷۳۹: ۱۳۵۷/۷/۳۰.

اطلاعات، ش ۱۵۷۴۱: ۱۳۵۷/۸/۲.

اطلاعات، ش ۱۵۷۴۲: ۱۳۵۷/۸/۳.

اطلاعات، ش ۱۵۷۴۳: ۱۳۵۷/۸/۱۵۷۴۳.

بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۲۳: ۱۳۵۷/۸/۷.

بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۲۵: ۵۷/۸/۹ و ش ۲۲۶: ۱۳۵۷/۸/۱۰.

بولتن خبرگزاری پارس، ش ۲۲۷: ۱۳۵۷/۸/۱۱.

رستاخیز، ش ۱۰۳۱: ۱۳۵۷/۷/۱۳.

رستاخیز، ش ۱۰۳۴: ۱۳۵۷/۷/۱۶.

رستاخیز، ش ۱۰۳۶: ۱۳۵۷/۷/۱۸.

رستاخیز، ش ۱۰۴۹، ۱۳۵۷/۸/۷.

رستاخیز، ش ۱۰۵۱: ۱۳۵۷/۸/۹.

رستاخیز، ش ۱۰۵۴: ۱۳۵۷/۸/۱۲.

رستاخیز، ش ۱۰۵۵: ۱۳۵۷/۸/۱۳.

کیهان، ش ۱۰۵۸۵: ۱۳۵۷/۷/۱۸.

کیهان، ش ۱۰۵۹۹: ۱۳۵۷/۸/۸.

کیهان، ش ۱۰۶۰۵: ۱۳۵۷/۱۰/۱۶.

۰۲۴۸۴۰۴۶

اعلام دادند که این کتاب را به عنوان یک اثر مهم در تاریخ
 و ادبیات ایران می‌دانند و به همین دلیل به چاپ رسانده‌اند.
 این کتاب به عنوان یک اثر مهم در تاریخ و ادبیات ایران
 به چاپ رسانده‌اند و به همین دلیل به چاپ رسانده‌اند.
 این کتاب به عنوان یک اثر مهم در تاریخ و ادبیات ایران
 به چاپ رسانده‌اند و به همین دلیل به چاپ رسانده‌اند.
 این کتاب به عنوان یک اثر مهم در تاریخ و ادبیات ایران
 به چاپ رسانده‌اند و به همین دلیل به چاپ رسانده‌اند.

مستند دارد

۶۷۶
 مرکز اسناد

2.

گزارش بازجویی از سید رضا مهدی پور به دلیل تماس با بازاریان برای تعطیلی مغازه‌ها

۰۴۴۸۶۰۴۶

گزارش

مقام عالی را آگاه می‌سازم، معاون کلانتری بدین‌سان پنج نفر با نامی رضا مهدی پور صفاری، حسین روزبهی، فرامرز بریمانی و کمال آهنگری را که ساعت ۱۲:۱۰ روز ۲۵۳۷/۱/۱۰ در کوچه پشته مسجد جامع تبریز حائیکه یکم اعلامیه مربوط به برگزاری ختم از طرف حوزه علمیه قم که حائیکه و مطالبات مزه ای می‌باشد، در دست نرسیم بوده و قصد الحاق بدیوار را داشته را دستگیر و جهت بازجویی و پیگیری بابت دایره معرفی در اجرای امریه صادره با توجه باینکه حده آن ناشناخته در روزهای ۱۰/۱/۲۵۳۷ صاحبان مغازه های بازار را به پشته مغازه ها دعوت و در صورت عدم اجابت تهدید به آتش کشیدن محل کتب آنرا نموده و اظهار می‌دانسته اند، باینکه در مجلس ترمیم روز ۱۰/۱/۲۵۳۷ در مسجد جامع شرکت نمایند از ناصردگان با شرح برگه ای بازجویی پیوسته تعقیق بمان می‌دارند تاکنون بمغازه دارای تلفن ننموده و اعلامیه ای نیز بدیوار الحاقی نگذرد اند، و آقای حسین روزبهی مدعی است هنگامیکه از مقابل مسجد رضا خان صبر می‌نموده دایره ای یکم اعلامیه نمونه پیوسته را بهشارالیه داده که وی نیز آنرا بدایره و نزد خود نگهداشته و بدیوار الحاقی نگذرد است، لکن "از منازل آنها با رابط می‌توانین تاکنون بازرسی از محل سکونت حده در صفاری و سید رضا مهدی پور صفاری کتب و تلواری که با کتب مزبور اخیراً آزاد شده و نگهداری آن مانعی ندارد، با عنایت باینکه طبق اعلام تلفن شهرداری قم از منزل حسین روزبهی کجیانه ۳ ماه محکوم شده است و دارد نیز بازرسی آنها و مدارک ضربه ای بدست نیامده و با تمهیداتشکرت از ناصردگان صحن بر حده الحاقی یا همراه داشتن اعلامیه اخذ شده در حال حاضر متنبه شده و کتب مذهبی هستند خدمتگذار شاه و مردم می‌باشند، مراتب مصروفی ها هرگونه مقسور فرمایند اقدام گردد.

افسر تحقیق سروان طوی

رویه های پیوسته و حائیکه حاوی یکم جهت پنج نفر افراد مزبور ضمن ابرام ناصردگان جهت پیوسته و اتخاذ هرگونه تصمیم مقتضی به ریاست محترم دادسرای شهرستان ساری ایفاد میگردد.

رئیس اطلاعات و ماکان شهرداری استان مازندران - سروان غلامرضا طوی

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	محل تولد	محل اقامت	محل کار	محل تحصیل	محل خدمت	محل اقامت	محل کار	محل تحصیل	محل خدمت
۱	رضا مهدی پور صفاری										
۲	حسین روزبهی										
۳	فرامرز بریمانی										
۴	کمال آهنگری										

گزارش دستگیری روزبهی، صفاری، آهنگری، بریمانی و آهنگری حین توزیع اعلامیه

۰۲۴۸۴۰۹۹

درجه فوریت	طبقه بندی حفاظتی
نوع شماره	از
۱ - به : ...	نوع
۲ - از : ...	نوع
۳ - شماره : ...	نوع
۴ - تاریخ : ...	نوع
۵ - پست : ...	نوع
موضوع :	صفحه / پیر :
اطلاع و اطلاعیت : افراد در طرف دانش آموزان ... در روز ... نشان	
از بابی خبر : ... نظریه : ... طبقه بندی حفاظتی	



نگارش داخلی

تلفن

اداره

وزارت کشور

شهربانی کشور شاهنشاهی

شهربانی استان مازندران

مرکز
۲۴۱

استان مازندران

مرکز

عصر روز ۲۹/۸/۵۷ اسنوله پشت تصویر صدا و آیدو تلویزیون ملی ایران مرکز ساری
بدون هیچ تخطی است و به این است که شواهد و اکتشافات جدید به کشف شده است و به
در مجموع شش ۷ و ضرورت شش ۲۰ نفر اصدای گردیده است. به قطع برنامه ۵
علم را آیدو تلویزیون را از کشف تلویزیون، زنده را در شش عزا بخش میوه ۱۰
فنا عده کشته شده را ۵ نفر از تلویزیون احکم کرده است. لذایح زنده تا کنون
نیز برنامه تلویزیون مار قطع به شش.

ت ۱۰۸۵
۵۷/۹/۴

رکورد

۱۰۸۵

۵۷/۹/۴

۳۰/۱۱



۱۲۰۰

از ۱۲۰۰

۱۲۰۰

۱۲۰۰ / ۱۲۰۰
۵۷, ۸, ۳۹

تولید اطلاعیه در مورد این درس و بیان مادر بزرگوار نزد فقار حرم
به سبب سوره فاطمه از حرم اماره صفایه ساری و بابل
به سبب سوره فاطمه و سوره در این سوره و سوره

۱۲۰۰

۱۲۰۰ / ۱۲۰۰
۵۷, ۹, ۵

۱۲۰۰

۱۲۰۰

۱۲۰۰

۱۲۰۰

۱۲۰۰ / ۱۲۰۰

۱۲۰۰ / ۱۲۰۰

۱۲۰۰

۵۳۷۵۰۰۰۰۰۲

مأمورین با مردم با آلاخه موفق میشوند گساری را با هزار تیر و لیز و دلپره در پیای مجسمه سر ببرند . در نتیجه تیر اندازی عده ای زخمی و به بیمارستان افرام میشوند .

بخشیدار کنگاور بعد از ظهر همانروز برای کار شخصی به بیمارستان اندادی کنگاور البته به همراه اعضا خانواده اش می رود غافل از اینکه عده ای از مردم شهر با دل پر خون بمبدا ت میروچین حادثه صبح آمده اند . در نتیجه مردم بمبیدر دیدن بخشیدار به او حمله ور شده و قصد داشتند سرن را با چاقو ببرند ولی با مداخله مأمورین جناب بخشدار جیره خوار استعمارچان سالم بدر میبرد .

برخیزد مردم با بخشدار و واقعه صبح مردم ساده لوح دهات اطراف را متوجه کار غلای خفتن کرده و بطور دسته جمعی به بخشدار حمله ور میشوند . بخشدار برای جلوگیری از هرگونه ضایعه فوراً دستور میدهد به هر نفری که از دهات اطراف آمده است یک کیسه برنج از اموال سرور قه ای که قبلاً از یکی از مفسران ها در پییده اند بدهند . عکسده ای از کسارانی که از دزدی اکسای یافته اند برنج را به صاحب اصلی آن مسترد کرده اند .

شهادت : آیات خاقان بنا دست خویش گورش را نمی کشد ؟

گزارش از پایتخت

درین اعلام عزای ملی و اعتصاب عمومی ملت مسلمان ایران بشاری روز یکشنبه ۵۷/۹/۵ از طرف مرجع عالیقدر جهان تشیع امام خمینی و روحانیین مبارز و سراسر ایران مردم شریف بابل نمازه ها را یکپارچه بسته و بملتوفات یکی از علمای بابل بنام حجت الاسلام حائری در مسجد کاظم بیک اجتماع کرده و سپس به تشییع جنازه میپردازند . بدیهی است در این هنگام انجدار و تنفر خویش را از رژیم جنایتکار پهلوی ابراز میدارند . پایتخت پرده بهرا هی ارتش با مردم به درگیری پرداخته و بر روی مردم مسلمان بابل آتش میگرداند . در این حادثه سه نفر به اسمای "علی اصغر معینی" (پیشرو) "رضا اکبرزاده" (دبیر) "عازم به خان برای تحصیل" و "علی اصغر فانی" (کارمند بخش خصوصی) کشته میشوند .

روز دوشنبه ۵۷/۹/۶ مردم مسلمان جهت گرفتن اجساد شهیدان روز قبل به بیمارستان شاهپور بابل رفته و در حالی که کاملاً ساکت در محوطه بیمارستان بانظار عویل اجساد نشستند بودند بار دیگر مأمورین باصلاح انتظامی سررسیده و با برتاب کارانک آرو و خفه کننده و هلیک تیر سیر را باز کرده و با خود روهای ارتش وارد بیمارستان میشوند : آنها حتی تیوهائی هم به طرف اطای عملی تلیک میکنند . در این حادثه هم جوانی بنام "عباس جی نژاد" (راننده) که بسیار معتقد و مورد علاقه مردم بوده است کشته و متعبدان دیگری زخمی میشوند .

مجموع تعداد مجروحین این دو روز دقیقاً مشخص نیست ولی تعداد بستی های در بیمارستان شاهپور ۲۸ نفر میباشد بقیه در بیمارستانهای دیگر و منازل تحت مداوا میباشند .

در ضمن کارمندان مخابرات این شهر در محل اداره خود بخاطر دستگیری ۱۰ نفر از همکارانشان از روز دوشنبه ۵۷/۹/۶ تا این لحظه به تحسین هستند . در همین روز فرزندیکان بابل نیز به پشتیبانی از انتصاب برادران مخابراتی در محل اداره آموزش و پرورش و همچنین کارمندان مایکروبه (قسمت دیگری از مخابرات) در محل کار خود متحصن میشوند . اما از آنجا که مزدوران خون آشام پهلوی به هر کسی که معترض و بیخود باشد حمله ور میشوند در غروب ۵۷/۹/۶ روز دوشنبه پس از نماز مغرب با برتاب کارانک آرو و تلیک تیر سه متحصنین حمله ور شده و یکی از کارمندان مخابرات از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت که او نیز اکنون در بیمارستان بستی است . معذک متحصنین هنوز در تحسین میباشند .

شهادت : ضمن عرض تیریک به خانواده هائی که شهید داده اند و ضمن انجدار از دستگاه چهار پهلوی از مردم مسلمان بابل و سایر شهرها استدعا دارم با توجه به فتوی رهبر بزرگوار امام خمینی از رسیدگی به خانواده هائی که در اثر از دست دادن نان آبرشان در بخران مادی و معنوی قرار گرفته اند غافل نبوده و با تشکیل صندوقهای کمک به خانواده های شهیدان تعادیل سیستم صحیح و منطقی آنها را تحت سرپرستی خویش بگیرند .



۰۲۴۸۴۰۳۸

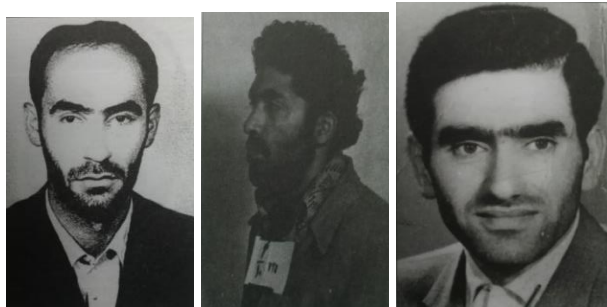
دانش آموزان
از این دست نوشته می توانیم به دست آوریم که در این دست نوشته
شماره ۱۰۰ و ۱۰۰ است و در این دست نوشته در این دست نوشته
۱۰۰ و ۱۰۰ است و در این دست نوشته در این دست نوشته
در این دست نوشته در این دست نوشته در این دست نوشته
در این دست نوشته در این دست نوشته در این دست نوشته
در این دست نوشته در این دست نوشته در این دست نوشته

۶۷۸

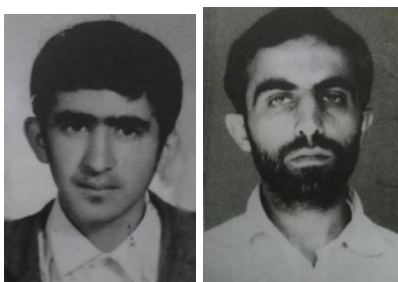
در این دست نوشته

در این دست نوشته در این دست نوشته در این دست نوشته

گزارشی از مکاتبات دانش آموزان ساروی با یک صندوق پستی و دریافت جزوات مذهبی



[محمد اسماعیل گریبان] [اکبر افروزیان] [حسین روزبهی (بهزادی)]



[محمد حسین مهرانفر] [صادق صفاری]



[علی اصغر ساجدی] [قاسم منافی] [حسین صادقی افراکتی]

تصاویر تعدادی از فرهنگیان و فعالان انقلابی مازندران

